**مصاحبه با MTPrivateKabul280818**

**تاریخ 28 اوگست 2018**

**مصاحبه در محل تولید**

ک: وظیفه ی شما در شرکت؟

MTPrivateKabul280818: اسمم [نام شخص] است، تخلصم [تخلص] مسؤل مطبعه ی صنعتی [نام مطبعه] هستم. که ما فعلا در بخش چاپ و بسته بندی و یگان وقوطی ها و این گپ هایی که برای بسته بندی [کار گرفته میشن] هم تولید داریم.

ک: تعداد کارگر

MTPrivateKabul280818: فعلا ما 12 نفر فعال داریم. در جریان کار اگر حجم کار کمی زیادتر میشه ما باز کارگر دیگر اضافه می کنیم.

ک: کارگرها به شکل ماهوار معاش می گیرند؟ قرارداد دارند؟

MTPrivateKabul280818: بله ها ماهوار است.

ک: تولید چگونه است؟ مستقیم با دست، دست و ماشین، نیمه اتومات، کاملا اتومات؟

MTPrivateKabul280818: نخیر نی! ما خو تقریبا در زمان طالب ها ما این شرکت ره داشتیم. در او زمانی که ما کارها ره در ماشین های بسیار خُرد ماشین ها دستی و این گپ ها استفاده می کردیم. بعدا باز ما توسعه داده رفتیم و هر مقداری که ما از همین کار و بار خود عاید کردیم بالای همین شرکت اضافه کردیم و ماشین آلات اضافه کردیم. فعلا اکثریت کار ما با ماشین اس.

ک: ماشینی اس که دست انسان او ره در کار می اندازه؟

MTPrivateKabul280818: طبعا دیگه.

ک: یا کاملا اتومات است؟

MTPrivateKabul280818: نخیر نی. او طور لین نیست [Assembly Line]. کار طباعت که اس یک بخش بسیار بزرگ اس. در دیگه دنیا که اس بخش چاپ، [...] مثلا کسی که اخبار چاپ می کنه دیگه کار ره نمی کنه [تخصص داره]. یا کسی که کار بسته بندی می کنه کار دیگه چاپ ها ره نمی کنه. ولی ما متأسفانه چون در افغانستان یک چیزی بازارش خُرد اس، ما همه کار ره می کنیم. هم قوطی و هم اخبار و کتاب و تمام چیزها ره. در دیگر ممالک این شکل نیس. اگر کار کتاب ره می کنه همو شکل لاین ره داره و او بسیار میشه راحت و بسیار به سرعت زیاد به بسیار کیفیت خوب تولید می کنه. ولی متأسفانه ما تنها اینجه کار کتاب نیست. و کار کتاب اگه اس بسیار کم اس. یا کار بسته بندی اس که بسیار کم اس. ما مجبور هستیم که تماما همین کارها ره بکنیم با ماشین هایی [...] یک قسمتش ره با ماشین و یک قسمتش ره به دست. مقصد کار مشتری ره انجام بتیم.

ک: فروشات تان به چی شکل صورت می گیره؟

MTPrivateKabul280818: ما فرمایش از بازار آزاد می گیریم. ممکن حجمش زیاد باشه، ممکن کم باشه. ولی ما نتوانسته ایم نسبت مشکلاتی که به علت فساد اداری، قرارداد دولتی ره زیاد بگیریم. ما تا فعلا قرارداد با موسسات داریم اما قراردادی که همراه دولت داشته باشیم [نداشته ایم] و در همین وقت زیادی [که فعال بوده ایم] بسیار کارهای اندک اندکش ره انجام داده ایم و قراردادهای بزرگ ره نداریم ما [از طرف دولت].

ک: یک کتاب ره شما چند تولید می کنید؟

MTPrivateKabul280818: او نظر به تعداد صفحه و نظر به سایز کتاب و نظر به تعداد کتاب. ما کلشه محاسبه می کنیم باز به مشتری قیمت میتیم.

ک: در یک روز چه تعداد کتاب؟

MTPrivateKabul280818: گر چند ما ماشینری فعلا زیاد داریم و به این امید آورده ایم که باش کار بهتر شوه. ولی متأسفانه ماشینری حالی بالای ما مانده دیگه شاید تا حال – اگه شما داخل کارخانه برین – از ما دو، سه پایه ماشین ما [همین اکنون] فعالیت داره. در حالی که ما اضافه‌تر از 25 پایه ماشین داریم. ماشین های مختلف که برای برش قوطی اس، برای لمنیشن کاغذ، شکل یو.وی، مایشن های زیاد داریم. ولی متأسفانه نی [...] چون یک مشکل اس که در افغانستان کار بسیار اندک اس. در دیگر کشورها که همو یک پایه ماشین که فعالیت می کنه روزانه خرج یک فامیل ره بسیار منظم می کشه. ولی ما متأسفانه با همین قدر ماشینی که داریم ما این ره نی فروخته میتانیم در این بازار آشفته [...] چون کس هایی است که حالی یک ذره مردم از سرمایه گذاری دلسرد شده اند. این ماشین ها ره مردم ها نمی خرند از ما. و ما متأسفانه با همین ها گیر مانده ایم دیگه. روزگار خوده تیر می کنیم.

ک: پس گیر مانده اید؟

MTPrivateKabul280818: بله ها. چون ما این طور یک کسی نبوده ایم که یک دفعه یک سرمایه ی کلان ره آورده باشیم و سرمایه گذاری کرده باشیم. ما حتا [...] مه زیاد علاقمندی دارم که بتانم کار و بار خوده رونق بتم و شرکت خوده زیاد چی کنم [رُشد بتم] مه همی حالی یک خانه ی بسیار چی [حقیرانه] دارم که اصلا شاید یک کارگر عادی هم همو خانه ره داشته باشه. ولی مه اضافه تر کلا سرمایه گذاری مه کل علاقمندی مه بالای ماشین و این گپ ها بوده. ولی در همین یک سال یا اضافه‌تر زمان میشه، بسیار دیگه دلسرد شدیم از این کار.

ک: حد اوسط شما در روزی چند ورق چاپ می کنید؟

MTPrivateKabul280818: از ما خو ماشین هایی با سایزهایی مختلف اس. هر ماشین فعالیت های متنوع داره. تنها از ما مسأله ی چاپ نیس. از ما ماشین های سایزهای خُرد و کلان داریم که حد اوسطش 7 هزار ورق در ساعت چاپ می کنه. خو بعضی وقت که یگان مشکل تخنیکی که پیش بیایه، ما همو ره 7 هزار نی 5 هزار بگیریم. ما فعلا در حدود 5 پایه ماشین چاپ داریم. از سایز 28X40 انچ گرفته تا 18X23 سه پایه داریم. و سایز کلان ما دو رنگ اس و این دیگرهای ما یک رنگ اس. دیگه یک پایه و دو پایه نیست که مه او ره منظم برایتان تشریح بتیم. چون ماشین های ما زیاد است و کارهای متنوع می کنن.

ک: یک تخمینی از درآمد شرکت دارید پیش تان؟

MTPrivateKabul280818: تخمین هیچ پیش‌بینی شده نمیتانه. ممکن اگر با این ماشینهای مه اگر کار بکنه، در یک ماه بسیار یک عاید خوب به دست مه بیایه. ولی متأسفانه کار نیس. کار بسیار مشکلات خوده داره و کارهای که اس باید که ما که شرکت هستیم ما بگیریم، می بینیم که یک کسی که نی شرکت داره و نی دیگه داره، چون شناخت داره، کار ره گرفته و از ما قیمت می گیره. اگر از ما قیمت ما مناسب باشه به ما میته. در غیر او میبره پاکستان و اینجاها چاپ می کنه. برای او مشکلی [مانعی] نیست [که تولید کننده ی با قیمت ارزان پایین کنه، اگر هم در پاکستان]. ولی دل ما در همین بسیار چیز است که کار ره خود ما بگیریم. کسی که شناخت داشته باشه ولو که هیچ شرکت هم نداشته باشه، میره می گیره. اگه پیش ما قیمتش مناسب باشه، پیش ما چی می کنن. در غیر او میرن در خارج جور می کنن.

ک: پس کار تولیدات شرکت به اساس سفارش است؟

MTPrivateKabul280818: بله ها

ک: بیشتر از موسسات غیردولتی؟

MTPrivateKabul280818: دولتی ما نداریم و با موسسات خارجی است. با یوناما کار کرده ایم. با یونیسف. با یگان خُرد و ریزه ی [سفارش های خُرد و ریزه] که داریم. و دیگر کلا چیزهای شخصی است. کارهای شخصی.

ک: برای ایجاد شرکت سرمایه ی اولیه، شخصی، بودجه دولت، [قطع]

MTPrivateKabul280818: در ابتدا ما سرمایه ای نداشتیم واقعیتش. چون از ما پدرم در این کار تجربه داشت. قبلا کار کرده بود در مطبعه ی دولتی. مطبعه ی وزارت دفاع کار کرده بود. فقط دو سال میشه که از این کار تقاد کرده. تجربه ی بسیار خوب داشت و در زمان طالب ها با مطبعه های دیگر هم کار می کرد. باز ما فقط در ابتدا که شروع کردیم میتانیم بگوییم که سرمایه ی ما صفر بود. ما او قدر توانایی نداشتیم. ولی ما آهسته آهسته با همو تجاربی که در حصه ی چاپ و این گپ ها داشتیم، حتا ما در ابتدا کارها ره سفارش می گرفتیم با مطبعه های دیگر چاپ می کردیم. باز آهسته آهسته توانستیم که یک ماشین های خُرد ره بگیریم. از همو [مرحله ی] ابتدایی ما کار کردیم و کار ما در همین حد رسیده فعلا.

ک: در این مسیری و سفری که طی کرده اید، کدام قرضی از بانک گرفته باشید یا کمک دیگری، نهاد خارجی کمک کرده باشد؟

MTPrivateKabul280818: نی ما هیچ قرض نگرفته ایم و هیچ نهاد خارجی ره ما تا به حالی کمک اش ره ندیده ایم و فقط همین که کارهایشانه انجام داده ایم. و دیگه، چیزی که ما سرمایه گذاری کردیم یگان جایدادها و چیزهایی که از همو پدرکلانم به پدرم مانده بود، همو ره تانستیم بفروشیم و ماشین تهیه کنیم.

ک: ارزش کلی دارایی های شرکت ره چی اندازه تخمین می زنید؟

MTPrivateKabul280818: اگر ما از همو قیمتی که ما خریده ایم اگه حالی در بازار ببرم و بخواهیم بفروشیم، ارزشش خیلی پایین اس. ممکن در حدود 7 لک دالر شوه. ماشین آلات و همین جایداد، زمین.

ک: معاش کارگرها چند اس؟

MTPrivateKabul280818: معاش کارگرها از 20 هزار اس تا 6 هزار.

ک: کسی که 20 هزار می گیره تعدادشان چند تا اس؟

MTPrivateKabul280818: او فقط دو نفر است. دیگرهایشان به مراتب همین طور پایین و بالا است.

ک: از 6 هزار شروع میشه؟

MTPrivateKabul280818: 6 هزار، 10 هزار، 12 هزار [تلاش برای بالا نشان دادن معاش]. چون بعضی شاگردهایی است که ابتدا آمده اند، تجارب ندارند و فقط همو کار عادی ره می کنن. و کس های که 20 هزار ره می گیرند، آنها در ماشین آلات می فهمند، در تخنیکش یک مقدار می فهمند.

ک: شما گفتید که حجم کار بالا بره دیگر کارگر استخدام می کنید. طرز استخدام چی رقم اس؟

MTPrivateKabul280818: او فقط اجاره میتی برش. اجاره برش میتیم [قطع]

ک: پیدا کردنش چی رقم؟

MTPrivateKabul280818: ما خو همراه مطابع دیگر همکاری داریم. کس هایی است که در بازار می شناسیم ما که کی کارگر فعلا بیکار داره، از آنها خواهش می کنیم، می آییند همراه ما همکاری می کنند و یک مقدار پیسه برایشان میتیم.

ک: از بیرون چی رقم کارگر پیدا می کنید؟

MTPrivateKabul280818: از بیرون خو قبلا ما کارگرهای پاکستانی داشتیم. و هر مطبعه ای که دچار مشکل میشد میرفت از پاکستان می آورد. ولی حالی یک ذره مشکلاتش نظر به ویزه و راه ها یک ذره مشکلات شده. فعلا تا که بسیار ضرورت زیاد نباشه، تخنیکر یا کارگر ره ما از اونجه نمی خواهیم. و خیلی وقت شده که کارگر پاکستانی مه ندارم.

ک: کارگر نو داخلی ره چگونه پیدا و استخدام می کنید؟ انترنت اعلان یا نهادی؟

MTPrivateKabul280818: نی! ماشاالله [...] ماشاالله بگوییم یا متأسفانه بگویم که تعداد بیکار در افغانستان زیاد است که ممکن روزانه 10 پیشنهاد یا اضافه‌تر از 10 پیشنهاد از طریق پدرهایشان یا خودشان مستقیم می آیند از ما خواهش می کنند که اگر کارگر شما ضرورت داشته باشید. در پشت دروازه یا نظر به آشنایی [شخصی] و این گپ ها باشه، آنها پیشنهاد می کنند که "کارگر ضرورت نداری" باز ما می بنیم که کارگری که به حساب ما مناسب آمد باز ما اونها ره استخدام می کنیم. و فعلا همی کارگرهای مه خیلی وقت است که در کار هستن. همین ها ره هم که سونشان سیل می کنی در یک پیسه ی ناچیز همراه مه کار می کنند. اگه مه اینها ره جواب بتم، اینها مصرف خانوار دارند. و دیگه دارند. فقط همینش پیش چشم مه ره می گیره. اگه نی ضرورت ندارم همین فعلا همین 12 نفر ره. برای فعلا کارش نیست که ما [...] ممکن که یک 5، 6 نفرش کار بکنه و یک 3، 4 نفرش بیکار اس. یک کارهایی ره می کنیم که ارتباط نداره به او [...] منتها نگاهشان کرده ایم دیگه. به امید این که کار درست بیایه [یک روزی].

ک: بیشترین تعداد کارگر در کدام سال؟

MTPrivateKabul280818: بیشترین تعداد کارگر ره که قبلا [...] در صورتی که ما یگان کار بزرگ ره بگیریم. مثلا زمانی میشه که یک تعداد کتاب است چون کار چاپ که است، کاری است که وقت کم داره. هر کسی که کتاب یا چیزی ره چاپ می کنه به یک مناسبتی چاپ میکنه. مثلا معارف که کتاب چاپ می کنه برای یک وقت مشخص. برای یک وقتی مشخصی که همو [کتاب] برایشان برسه، به شاگردها بته، که ما تا به حالی کتاب های معارف ره دست دو گرفته ایم [کسی دیگری با ما به غیر از سازمان ملل/ وزارت معارف قرارداد کرده]. یک کسی قرارداد از یونسکو گرفته بود. باز او ره به ما آورد که ما چاپ و بسته بندی اش ره کردیم. میره تا [...] ده بعضی زمان ها تا 30 نفر هم کارمند داشته ایم که عملا کار کرده اند.

ک: در کدام سال بوده؟ و در کدام سال اُفت کرده؟

MTPrivateKabul280818: ما خو زمانی که در افغانستان کار زیاد بود ماشینری ما فوق العاده کم بود. یک زمانی با یک پایه ماشین تنها مه خودم کار می کردم. که فقط 2 نفر دیگه زیر دستم کار می کرد که 3 نفر می شدیم. ما چون خود در حساب طباعت تجربه داشتیم خود ما کار کردیم. در ماشین خود ما کار کردیم. شب و روز کار کردیم. اعضای فامیل [حتا و بعضی وقت ها] کتی ما کار کرده [تا روزی که] ما یک اندازه پیشرفت کردیم. و حالی فعلا همین بُرد ما [علت موفقیت ما] این است که ما در حساب تخنیکی می فهمیم. همین حالی هم که نیاز به کار باشه ما خود ما کار می کنیم. اگر ما کلا کار ره روی کارگر پرتیم، باز ما اصلا همی مصرف خوده کشیده نمیتانیم.

ک: شرکت شامل کدام اتحادیه ی صنعتی هم است؟

MTPrivateKabul280818: متأسفانه یک اتحادیه 5 سال پیش جور شد. یک انجمن بسته بندی و چاپخانه دارها بود که او هم او قدر چی نشد [رونق نگرفت]. چون مردم علاقهمندی به اتحاد و این گپ ها [اتفاق] ندارند. همو هر کس می خواهه که همو کار خوده خودش شخصی پیش ببره و از راز خود و از همو مشکل خود [به کسی چیزی نگویه]، از این متأسفانه، که ما نتوانستیم یک انجمن منظم داشته باشیم. همو پیدا شد [تأسیس شد] و ما رفتیم اشتراک کردیم. یک چند جلساتی که گرفت باز جلساتش هم مفید تمام نشد. باز دیگه سرد شد [گویش هزارگی]. باز دو سال یک کسی دیگر رفت باز یک اتحادیه جور کرد. که آنها همی فعلا در همین بازار خُرد ما یک انجمن و یک اتحادیه داریم.

ک: کمکی هم کرده عضویت؟

MTPrivateKabul280818: نی! تا به حالی او طور کمک چشم گیری که برای ما کرده باشه نکرده. چون اینجه یک کسی [...] مردم هم زیاد پی‌گیر نیس و دوم همو کس های که به حساب رهبریت در همو سر می خواهه قرار بگیره، فقط استفاده ی شخصی خوده می کنه [در نظر داره]. و این ره مه گله مندی ام [تنها] از رهبریت نیس. گله مندی از کس های دیگریست که منظم اشتراک بکنن [که نمی کنن] و از او درخواست بکنن و بگویه که تو به حساب رهبر ما و به حساب کلان ما و به حساب رییس اتحادیه ی ما که هستی، تو چی کارها ره انجام دادی؟ اینها هم پی گیری نیستند و آنها هم یگان جایی که میرن استفاده های شخصی خوده می کنن.

ک: اتاق های صنایع هم عضویت دارید؟

MTPrivateKabul280818: بله ها. هستیم ولی حرفشان زیاد است و عملشان کم است. تا فعلا او طوری چیزی [کمک] چشم گیری ما ندیده ایم. بسیار نهایتش در یگان نمایشگاه ها برای ما خبر میته که اینجه یک نمایشگاه است. دگیه چیزی اضافه تر از این ما ندیده ایم. مثلا مشکلات زمین اس که برای ما باید زمین تهیه شوه. ولی زمین و یگان مشکلاتی ره که [ما همراهش سردچار هستیم] مثلا همین حالی کارهای چاپی ما نباید از پاکستان، از ایران و از کشورهای دیگر بیایه. ولی همین کار ره جلوگیری کرده نتوانستند. همین حالی به بسیار [...] کار قوطی، لیبل، هر آنچیزی که تو بخواهی در پاکستان بسیار آزادانه چاپ میشه و داخل افغانستان آورده میشه. در حالی که ما ماشینری اش ره داریم و بیکار هستیم [بیکار نشسته ایم]. سرمایه گذاری کرده یام و بیکار هستیم.

ک: شرکت چند سال است که فعال است؟

MTPrivateKabul280818: ما از سال، جوازی ره که گرفته ایم 1420 است که تقریبا 18 سال میشه.

ک: همین فعلا به خاطر تفریح چه می کنید؟ چی کارهایی می کنید در آخر هفته؟

MTPrivateKabul280818: متأسفانه یک مشکلی است که [...] همو بهترین تفریح ما این است که ما خانواده ی خود تیر می کنیم. می گذرانیم. چون تفریح گاه های درست نیست. و دیگر ما نمیتانیم در طول هفته با خانواده ی خود زیاد ببینیم. صبح وقت می آییم و شب میریم. فقط همو روز جمعه ره داریم که همو روز جمعه با یک خویشاوند یا دیدن یگان مریض میریم. دیگه کلا وسط هفته ره ما مصروف هستیم و فقط روز جمعه ره با خانواده و [دیدن اقارب و مریض ها] می گذرانیم. بسیار اندک پیش می آیه که یگان تفریحگاه های که ما در یگان جمعه به پغمان یا یگان جایی بریم. بسیار کم پیش می آیه.

ک: یک بار ازدواج کرده اید یا چند بار؟

MTPrivateKabul280818: [خنده] یک بار. ما از او جمله نیستیم که ازدواج متعدد داشته باشیم [خنده]

ک: کتاب هم می خوانید؟

MTPrivateKabul280818: بله ها.

ک: چی نوع کتاب هایی؟

MTPrivateKabul280818: اکثر از همین نویسنده های مشهور ره، داستان های که از وکتور هوگو است، [مزاحمت] از نویسنده ی فرانسوی وکتور هوگو ره، از یک فیلسوف هندی اس به نام وشو، و دیگه چیزهایی که علاقمند باشم از ایران، از علی شریعتی، و یگان کتاب های شعر و [...] متأسفانه که در اینجه یک آشفتگی است که آدمه متمرکز بالای مطالعه هم نمیمانه. مه خیلی علاقمند به مطالعه هستم ولی اینها ره هم که مه نام بردیم، نتوانسته ایم که [بخوانم] دارم، آثارشان را کامل دارم، ولی مطالعه ام اندک بوده. زیاد نبوده.

ک: موسیقی؟ هندی، افغانی، غربی؟

MTPrivateKabul280818: موسیقی های که یک اندازه مفهوم داشته باشه مه خوش دارم. نه این که بی مفهوم. مثلا مه هندی ره نمی فهمم. به لسان اردو بلد نیستم. هندی ره علاقمندش نیستم. گرچند آواز گیرا داره اما او قدر علاقمندش نیستم.

ک: پس تنها افغانی گوش میتین؟

MTPrivateKabul280818: نخیر نی! ایرانی، افغانی و [...] خواننده هایی که همو شعرش یک مفهومی داشته باشه. زیادتر با این موسیقی های که خیلی مست و هیچ سر و پایش معلوم نیس، او ره زیاد علاقمندش نیستم [خنده].

ک: در اجتماعی که زندگی می کنید، تصویر شما و درک مردم از موقعیت مالی تان چیست؟ [قطع]

MTPrivateKabul280818: این طور یک چیزی است که نسبت به جامعه ی افغانی، جای شکر است، که نسبتا ما زیاد نگران از این نیستیم که زیاد دست ما بند باشه [فقیر باشیم]. اما از جمله ی مرفه هم گفته نمیشیم. ولی الحمدالله که در این جامعه ای که می بینیم که فقر بیداد می کنه، مردم به همین مصرف روزمره ی خود مشکل داره، دیگر از همین لحاظ ما یک ذره خاطرما جمع اس که حد اقل همو مصرف روزمره ی ما می برآیه.

ک: تصور مردم باز چیست؟

MTPrivateKabul280818: تصور مردم خو این طور است که تصور به این می کنن که اینها شرکت دارند و فابریکه دارند و اینها خو یک چیز دارند [پولدار هستند] ولی مشکلاتی که در داخل خود آدم می بینه [متفاوت است از برداشت مردم]. دیگه، مردم متفاوت است نظرشان.

ک: تحصیلاتتان؟

MTPrivateKabul280818: تا صنف 12 خواندیم او ره هم در شرایطی که در صنف های 7 و 8 جنگ ها بود که استادها فقط می آمد و چهره ی ما ره سیل می کرد و نمره می داد [لبخند]. بدون این که درس بخوانیم.

ک: اگه وقتش ره داشته باشید [سه گزنیه]

MTPrivateKabul280818: نی الحمدالله پولش ره داریم. ما زیادتر علاقمند به این هستیم که در یک جایی باشیم که یک مباحثه ای باشه و یک آدم های با درک و این گپ ها. همین چیزها ره مه زیاد علاقمنمد [...] با کس های باشم که درک بالا داشته باشند. یک فهم بالا داشته باشند و از درد دل خود بگویم و یگان نظراتش ره بگیرم. این ره مه زیاد علاقمند هستم. بعدا [بعد از این] دیگه که آدم به تفریح که آدم بتانه چی کنه [اقدام کنه].

ک: در کدام نقطه ی شهر؟

MTPrivateKabul280818: در شهرک امید سبز در دارلامان.

ک: قبلا هم همانجا زندگی می کردید؟

MTPrivateKabul280818: قبلا نی این طرفتر. خو تقریبا میشه که در همو ساحات بگوییم.

ک: توانسته اید که از برکت کار در شرکت وضع زندگی تان ره خوبتر بسازید و در یک خانه ی خوبتر رفته باشید؟

MTPrivateKabul280818: والله طوری که پیشتر برایتان گفتم خانه ی ما خانه ی تجملاتی نیس. خانه ای است که همو روز خوده می گذرانیم. مه زیادتر علاقمند به این هستم که بتانم کار خوده رونق بتم. و هر قدر که [...] شکر الحمدالله حالی مه او قدر پولی زیاد نیاز ندارم. پول زیاد نه تنها این که آسایش در قبال دارد، بدبختی [هم] می آوره. در این جامعه اگه پول زیاد داشته باشی دچار مشکل میشی. هم در نظر مردم و [...] اگر مثلا احترام هم میشی اگر کسی درک داشته باشید آدم احساس می کنه که تحقیر میشه. به خاطری که او شخصیتت ره احترام نمی کنه. پولته احترام می کنه. این یک نوع کس هایی که [...] این یک نوع تحقیر است. به خاطر این که فقط پیسه ات ره میشناسه نه تو ره. مه زیادتر در این علاقمند هستم که بتانم یک چند خانواده ره ده همین زیر دست مه کار بکنن که همونها اعاشه و اباطه یشان شوه. مه علاقمندی زیاد به پول زیاد هم ندارم و خانه ی تجملاتی هم ندارم. مه همین حالی یک موتر بسیار ساده، که سراچه میگن، سراچه ی 95 [دارم]. در حالی که هم‌مسلک های مه 2000، 2010 و 2008 سوار میشن. مه در این علاقمند نیستم. مه زیادتر علاقمند به این هستم که بتانم یک کاری ره انجام بتم که همین یک چند نفر در او مصروف شوه.

ک: گفتید که هم‌مسلک هایتان موترهای لوکس تر دارند؟

MTPrivateKabul280818: بله اینها کسانی که زیاد علاقه دارند که ماشین های چیز ره، ماشین [اصطلاح ایرانی برای موتر] های ره سوار شوند که مودلش بالا باشه. یک ذره به حساب ما کش و فش اش بالاتر باشه. مه این ره علاقه ندارم.

ک: اطفال خصوصی یا دولتی؟

MTPrivateKabul280818: چون منطقه ی ما یک منطقه تازه ساخت اس و یک شهرک اس، فعلا اونجه مکتب دولت یک ذره فاصله اش هم زیاد اس. در شخصی میرن.

ک: برای ایجاد شرکت: اعضای فامیل، دوست ها، اعضای جامعه، همقومی ها [قطع]

MTPrivateKabul280818: همو اول فقط از تجربه ی پدرم بود که در این بخش تجربه داشت و ما هم که در زمان طالب ها در ایران مهاجر بودم. دیدم که اونجه هم وضعیت زندگی بسیار خراب اس و بسیار مردم افغانی تحقیر میشن و یک شرایطی بود که مثل زندان واری بود. از زندان بدتر بود. تو باور به خدا که زمان طالب ها مه باوجودی که مردم ازیش بسیار بد تعریف می کنه، در او زمانی که مه افغانستان آمدم بسیار احساس خوشی می کردم که مه در وطن خود آمده ایم و در یکجایی آمده ام که حد اقل جامعه ره می شناسم. حد اقل مردم یک نظر بد به طرف مه سیل نمی کنن. از همو زمان باز با علاقمند به همین کار چاپ شروع کردم. خودم هم به تنهایی نبودم و برادرهایم هم بود ولی برادرهایم نسبت به این که یک ذره تلاش شان کم بود زیاد پیشرفت نکردند و تقریبا تا 5 سال پیش هم شراکت کار می کردیم کتی برادرهایم حالی دیدم که اونها علاقمند نداره و مشکلات داره باز از آنها جدا شدم و مستقل شدم.

ک: حج هم رفته اید؟

MTPrivateKabul280818: نخیر.

ک: سفرهای تفریحی کجا خوش دارید بروید؟

MTPrivateKabul280818: سفر تفریحی خو ما نداشته ایم که فقط منظور ما تفریح بوده باشه. چون مه گفتم که مه زیاد علاقمند به این تفریح های که بی [...] یک به حساب خوشی این نیست که تنها خود آدم خوش باشه. سفر داشتیم. سفر به نمایشگاه داشتیم. سفر ما کوشش داشتیم که بروم صنعت ره سیل کنم. و یک کاری کنم [...] ماشینری ها ره [...] مه دو بار چین رفتیم که فقط ماشین خریدیم، صنعت آنها ره دیدیم. خاص و مختص سفری که تفریحی باشه نبوده.

ک: داخلی؟

MTPrivateKabul280818: داخل افغانستان ره [که] رفتیم. شمال افغانستانه [مثلا] زمانی که یک ذره امنیت خوب بود. کندز رفتیم. شیرخانه بندر. طرف مزار شریف. شبرغان، سر پل. اینجاها رفتیم.

ک: چند باب خانه دارید؟

MTPrivateKabul280818: یک باب. او ره هم شراکت با برادرهایمان.

ک: متانید بگوییم که از درآمد شرکت صاحب خانه شده اید؟

MTPrivateKabul280818: بله ها. همین الحمدالله خانه ی ره که فعلا در او هستیم از کار شرکت خریده ایم.

ک: یک تصویری از دوست هایتان بتین؟

MTPrivateKabul280818: یکی خو هم‌مسلک های مه اس که در همی مطابع هم‌مسلک هستیم با اونها می نشینیم بیشتر. و جدا از مسلک مه یک کسی ره از، چون سنش هم از شاید تفاوت بکنه، حد اقل 20 سال یا زیادتر، او یک کارمند رادیو تلویزیون بوده که مطالعات بسیار خوب داره. زیادتر وقت های ره که تفریح میداشته باشم همراه آنها وقت داشته باشم همراه آنها بحث و صحبت می کنم. و کس های دیگری که علاقمند به همین طور گپ ها هستند. شغل های متفاوت دارند. یک کس اش است که در کوچه ی مندوی دکان داره. و دیگرهایش، بنایی و رنگمالی و این کارها می کنن. و هم‌نظر هستن.

ک: بیشتر کس هایی هستند که در مطابع هستند؟

MTPrivateKabul280818: بله. چون بیشتر روزها ما به خاطر کار [...]

ک: امنیت بالای تولید شما به گونه ی مستقیم بالای تولید شما چگونه تأثیرگذار بوده؟

MTPrivateKabul280818: والله ین طور که اس که ضررهای کمی برای ما [هم] رسیده. ما یک زمانی در سرک وزارت داخل بودیم، نزدیک سفارت هند. دو بار اونجه حمله قرار گرفت. الحمدالله که به خود ما ضرر جانی نرسید ولی ضررهای مالیش بود. یکی از ماشین های ما، یا شیشه ی پنجره و یگان چیزهایی ما ره یگان مشکلاتی [که از فحوا معلوم میشه جزئی] ره دیدیم. بعد به سرکت دارلامان رفتی رو به روی پارلمان. تروریست ها آمدند بالای سر ما – ما در منزل ته کاوی بودیم – فقد یک شبانه روز ما در اونجه بودیم [بند ماندیم] آناه از اونجه با نیروهای دولتی جنگ می کردند و ما در همان پایین بند مانده بودیم. که در اونجه هم ما ضررات مالی ره دیدیم و اونجه ره مجبور شدیم ترک کنیم. و برای ما همین مشکلات بوده. و در حصه ای که در همین 18 سال زمانی نشده که ما نتوانسته باشیم مواد اولیه ی خوده یا مواد خام خوده تهیه کنیم. کابل نسبتا آرام بوده. یگان وقت که مشکل های ترانسپورتی پیش آمده. دیگه کدام مشکلی پیش نیامده.

ک: نوقعیت تصمیم گیری در شرکت به چی گونه است؟ متمرکز یا غیر متمرکز؟

MTPrivateKabul280818: البته با مشوره ی پدرم بعضی چیزها ره انجام میتم ولی تصمیم قاطع ره خودم می گیرم.

ک: به شاگردها برعلاوه ی معاش دیگر چی خدماتی ارایه میشه؟

MTPrivateKabul280818: خدمات خاصی نداریم که در حصه ی صحی و اینها. فقط یگان وقت در ایام عید و در ایام چی یک مقدار پیسه ای برایشان میتیم که عیدی گفته یا یگان مشکلاتی می فهمیم که در فامیل دارند، همو ره همرایشان یگان کمک های مالی می کنیم.

ک: سه وقت نان؟

MTPrivateKabul280818: او کس های که خانه یشان در ولایات است، یک چند نفر ما داریم که از ولایات استند و شبانه روزی [اینجه] هستن، سه وقت نان برایشان داریم.

ک: چند نفر است از این قبیل؟

MTPrivateKabul280818: 5 نفر.

ک: کارگرهای شامل اتحادیه؟

MTPrivateKabul280818: نخیر نی. اینجه ما هر چیز به نام داریم ولی در عمل هیچ چیز! ما ره از ریاست کار و امور اجتماعی آمدند و فورمه دادند که باید شما راجستر شوید و اینها. می بینید که فقط کاغذپرانی است و کدام فایده ای نداره. چون باور مردم سر ادارات دولتی در این گپ ها بیخی در صفر است. تا که بسیار مجبور نشی هیچ آدم کوشش می کنه با ادارات دولتی تماس نگیره. ولو که مشکل امنیتی هم داشته باشی، آدم با جرأت نمیتانه که با پولیس در تماس شوه. کوشش می کنه که به یک نحوی خودش حل کنه چون پولیس که [اگه به پولیس مراجعه کنه] بعضی مشکلاتی پیش می آیه از نظر این که باید برایش یک رشوه بتی که یک کارته انجام بته. یا یک عریضه ات ره [اجرا کنه]. دیگه اکثرا با مشکلات پولیس هم عاجز می مانه. از همین قبیل [...] در همین حصه ی ادارات دولتی کلا کوشش می کنن که تماس نگیرن.

ک: رابطه یتان تا شرکت های دیگر طباعتی چگونه است؟ رقابتی است؟

MTPrivateKabul280818: رابطه ی کاری است. زمانی که آنها مشکل میداشته باشند و کاری ره انجام داده نمیتانن میشه که ما انجام بتیم. ما هم بعضی وقت اگه مشکل داشته باشیم اونها همراه ما همکاری می کنن.

ک: رقابت چی؟

MTPrivateKabul280818: رقابت خو طبعا است. ولی در حصه ی فرمایشاتی که می گیری. دیگر باز هم باز گفته نمیشه که ما با کل مطابع روابط خوب داریم. میشه که با بعضی ها که یک تعدادش که ما روابط داریم آنها کار ما ره انجام داده اند و ما کارهای آنها ره انجام میتیم.

ک: رابطه ی خوب به اساس رابطه ی شخصی صورت گرفته یا این که [قطع]

MTPrivateKabul280818: خوب روابط شخصی هم است و روابط کاری هم اس.

ک: به خاطر توزیع مفاد با اعضای شرکت گاهی هم مذاکره می کنید؟

MTPrivateKabul280818: چون ما شرکت [...] شریک نداریم. اعضای خانواده ی ما است که ما کتی پدر و کس های که می فهمیم که مشوره اش به ما ضروری است مشوره می کنیم در غیر او نی. خود ما تصمیم می گیریم.

ک: کمک های دولت، وقتی که شما سرمایه یتان ره اینجه بند انداختید وقتی که جواز گرفتید، همو نهاد یا نهاد دیگری در قسمت بازارر به شما مشوره داد که بازار در این حالت است، صنعت چاپ در این حالت است و شما بهتر است که در همین صنعت پول مصرف کنید یا بروید در یک بخش دیگر؟

MTPrivateKabul280818: نی متأسفانه هر چیزی که است مشکلاتش [...] گفتم که از دولت هیچ گونه ما توقع هم نداریم و نمیشه توقع هم بره. به خاطری که دولت دولتی نیست که هدفش کمک باشه، زیربنا بسازه. یک چیزی ره فقط اگه وزیر اس، اگه رییس اس، او چوکی ره به اساس لیاقت نگرفته. به اساس ای گرفته که یک چیزی برایش تحفه داده باشه یا یک چیزی باشه که از او استفاده ی ابزاری بکنه. چون این طور یک کسی [...] کس های در ریاست، وزارت و اینجاها است آنها به این امید [دیدگاه] کار نمی کنن که افغانستان آباد شوه. آنها با این امید [دیدگاه] کار می کنن که ما از نظر مالی چگونه قوی شویم و بتانیم یک زندگی ره خارج از افغانستان بسازیم. مه فکر نکنم که کدام وزیر یا رییس [...] اکثرا کوشش به این دارند که ما چی رقم میتانیم یک سرمایه ای ره به دست بیاریم که خارج از افغانستان یک زندگی ره پیش ببرمی.

ک: با دولت پس هیچ رابطه ای ندارید؟

MTPrivateKabul280818: رابطه چرا داریم. جواز ما می گیریم. مالیات می گیرند.

ک: در حصه ی تولید منظورم بود.

MTPrivateKabul280818: در حصه ی تولید نی. چون ما تنانستیم. ما هر کاری ره کردیم یک شرایطی ره [حاکم ساختن، مقید ساختن] که ما نتانستیم در همو همراه اینها کنار بیاییم.

ک: مثلا چی شرایطی؟

MTPrivateKabul280818: شرایطی از این قبیل که باید به هر نحوی که باشه برایشان رشوه بتی یا در او قرارداد یک سهمی برایشان قایل شوی. دیگر راه و چاره نداره که تو قرارداد ره بگیری.

ک: در قسمت بالا بردن تعرفه؟

MTPrivateKabul280818: طبعا! در انجمن ها رفتیم و صدای خوده بلند کردیم. در بعضی مجالس رسمی گفتیم. ولی آنها تعهد می کنن که ما این کار ره می کنیم و او کار ره می کنیم، ولی در عمل نکردند.

ک: هیچ فیصدی بالا نرفته؟

MTPrivateKabul280818: چرا [بله] رفته به نام. منتها چیزی چاپی که می آیه، اصلا گمرکات به نظر مه هیچ گفته نمیشه که گمرک. به خاطر این که زمانی که پیسه بتی میتانی به یک کانتینر به حساب رسمی واقعا اگه کار پیش بره کارمند دولتی هم خوش نیس. آنها خوش هستند که کار غیر قانونی شوه که یک مقدار پیسه به آنها هم برسه. شاید بعضی موادها زیر مالیه بیایند. ولی کار چاپ نی. کار چاپ همو ترانسپورت ها است که برایشان میتی و مستقیم میاره کابل. این که چی رقم آنها از گمرک تیر می کنن نامفهوم اس.

ک: این بالا رفتن تعرفه به خاطر مذاکرات شما بوده؟

MTPrivateKabul280818: در بخش چاپ خو دولت همین قدر کرده که ما نمی خواهیم که کار چاپی در خارج از کشور شوه ولی ما عملا می بینیم که جلوگیری نشده. دیگر این تعرفه ها و این گپ ها ره [...] مثلا از کتاب هیچ مالیه نمی گیرند که میگن ما این ره به حساب فرهنگ کار می کنیم [یک امتعه ی ممد رُشد فرهنگی است] از همین خاطر در حصه ی کتاب اگه مالیه می گیرند هم یک چیزی ناچیز می گیرند. و در حصه ی قوطی و کارتن و لیبلی که در پشت بوتل و شامپو زده میشه، آنها ره این طور تعرفه ی مشخص بالایش نمانده. یک چیزی اس که ترانسپورت ها می آورند و این که از مرزها چی رقم داخل می کنن کار خودشان است [مبهم است].

ک: شرکت نسبت به کدام نهاد عام المنفعه تعهد داره که به او ماهانه پول بپردازه؟ کمک های خیریه ی دیگری؟

MTPrivateKabul280818: نی این طور انجمن یا اتحادیه یا نهاد رسمی که باشه ما کتی شان چیز نداریم.

ک: در همین 18 سالی که شما فعال بودید این طور کدام وقتی بوده که به این نتیجه رسیده باشید که کار تولید دیگه با صرفه نیست و خواسته باشید دروازه ی شرکت ره ببندید؟

MTPrivateKabul280818: والله مه همین شش ماه قبل رفتم از چین ماشین خریدم. اینجه خو اول برای ما گفتن که اگه شما ماشینری ره بیارین اینجه در حساب گمرگی و اینها صفر است. در اونجه شرکت هایی گفتن که ما همین مال تو ره، همین ماشینری تو ره ما با کانتینر انتقال میتیم به 10 هزار یا ده و نیم هزار دالر. ما به این امید که گفتیم دولت با ما همکاری می کنه گفتیم نی، باید به نام شرکت خود ما باشه و ما میریم اینجه مکتوب می گیریم و این گپ ها. اینجه که آمدیم به خاطر مکتوب، اصلا بسیار به مشکل به ما یک مکتوب دادند. دوم دیگه وقتی که این ره به گمرک نیمروز روان کردیم، گمرک نیمروز گفت که مال های تو باید باز شوه. پایین شوه تشریح شوه و دیگه شوه! که این چی است. ما گفتیم که این ماشینری است و اگه از کانتیرن برآیه بسیار متضرر میشه و دیگه. گفت هیچ چاره نداره و باید است [...] باز ما مجبور شدیم که همونجه یک مقدار پیسه ای بتیم. و در حصه ی کرایه و این گپ ها. تو باور که ما باوجود این که خوده در مشکل دچار ساختیم، اضافه تر از 11 هزار دالر همین کانتینر ما مصرف خورد. و دوم این که ماشینری ها ره که اینجه آوردیم، ماشینری ره نصب کردیم و همی حالی کلا ماشین ها است و کارش نیس. خیلی پشیمان استم از این کار. که همین ره اگه مه مواد می آوردم، حد اقل 5 یا 10 فیصدی که مه مفاد می گرفتم، که بسیار زود فروش میشد، [حد اقل] پیسه ام به دستم می آمد در این شرایط چی [نامطمین]. امیدم روز به روز در افغانستان [...] شرایط امنیتی خراب میشه. شرایطش مشکل پیدا می کنه [قطع].

ک: چرا باز هم کار ره ادامه می دهید؟ دلیل چیست؟

MTPrivateKabul280818: دلیل به این است که ما حالی سرمایه گذاری کردیم و پای ما بند است. نی متانیم ماشین خوده بفروشیم که پیسه ی خوده به دست بیاریم. و دوم دیگه، مه علاقمند به این ندارم که مهاجرت کنم. غیر از این دیگه کار هم مه کرده نمیتانم. مجبور هستم. در همین کار خود و در همین مسلک خود بسیار علاقمندی دارم.

ک: ماشین ها به درد کدام تولید دیگر هم؟

MTPrivateKabul280818: نخیر نی. به همین یک تولید.

ک: بازاریابی و تولیدات شما بیشتر در کدام شهر؟

MTPrivateKabul280818: کلا در کابل است. چون از ما تولیدی نیست که ما تولید کنیم و روان کنیم. ما منتظر فرمایشان هستیم و تولید می کنیم.

ک: در بین کارگرهای تان زن هم است؟

MTPrivateKabul280818: بله ها. یک چندی وقتی مه می خواستم که همین کارت ختم و عروسی و اینها [...] چون در افغانستان بسیار مصرفش بالا است، اینجه از پاکستان و چین و این جاها زیاد می آیه. زیاد علاقمندی داشتم که همی کار ره همینجه انجام بتم. و در این کارگر هم زیاد استخدام میشه. متأسفانه کاغذ این باید کاغذهایی باشه که خودت مخصوص داشته باشی و سرمایه داشته باشی که خودت دست اول بیاری. در بازار مروجی، کاغذ بازار ره اگر بخری نمیتانی رقابت کنی. چون ما سرمایه نداشتیم که دست اول کاغذ بخریم تنانستیم این کار ره پیش ببریم. در حدود 12 خانم کتی مه کار می کرد حالی فعلا 2 تایش کار می کنه.

ک: مواد خام؟

MTPrivateKabul280818: اکثرا از خارج. ما در حصه ی چاپ هیچ چیزی داخلی نداریم. کلا خارج.

ک: حد اوسط در قسمت مواد خام چقدر مصرف؟

MTPrivateKabul280818: این طور گفته نمیتانیم چون نظر به فرمایش ما است و مواد ما هم یک قلم و دو قلم نیس. مواد ما موادهای مختلف اس. نظر به همو کاری که فرمایشاتی که به ما می آیه ما مواد خوده تهیه می کنیم.

ک: کارگرها: از خود محل، همقومی، خویش و اقارب، همولایتی؟

MTPrivateKabul280818: نی! مه [اصولم] این است که هر کسی که صادقانه کار بکنه ولو از هر جایی که باشه مه استخدام کردیم. و از خویشاوند و اینها ره مه اصلا علاقمند به این گپ ها نیستم چون آدم به همو شکل درست و واضح گفته نمیتانه و روی یگان چیز آدم بند می مانه و نمیتانه که واضح گپ خوده بزنه [از روی تعارف] اکثرا کس هایی است که غیرخویشاوند مه هستند. و از اقوام مختلف هستن.

ک: با رقیب های خارجی؟

MTPrivateKabul280818: ما مثلا در کشورهایی که است آنها تجربه ی خوب دارند و کار فوق العاده زیاد دارند. ما تقریبا رقابت میتانیم با خارجی ها. البته خارجی های که از نظر کیفی و این گپ ها، کیفیت آنها که مثلا ایران باشه یا بعضی کشورهای دیگر باشه، ما مشکل است که رقابت کنیم چون ماشین های ما زیاد پیشرفته نیست اما حد اقل با همسایه ی نزدیک خود پاکستان میتانیم رقابت کنیم.

ک: در این 18 سال با رقیب های بیرون در مشلک بوده اید؟

MTPrivateKabul280818: طبعا دیگه. در افغانستان ما یگان چیزهای بسیار جزئی ره ما در افغانستان چاپ می کنیم. چیزهای عمده ی ما کلش در خارج چاپ میشه. همین کتاب های معارف که همین قدر سال ها چاپ شده، کلا در خارج چاپ شده. مثلا کمیسیون انتخابات اوراق رأی دهی که بسیار یک حجم کلان و یک سرمایه ی کلان است، خارج چاپ میشه. مثلا ما کار صنعتی بسیار کم است در افغانستان.

ک: ظرفیتش ره دارید که اگر کمیسیون به شما بته؟

MTPrivateKabul280818: چرا نه! ما نمیگیم که ما کلش ره شخصا مطبعه ی ما ظرفیت تولیدش ره داشته باشه. مطبعه ها [اما] است. در پاکستان و اینجا ها که ما دیدیم اتحادیه ها ره جمع می کنن، یک اتحادیه می گیره با یک قیمت مشخص، به مطابع میگن که بیایید اینی کارها است و هر کس به اندازه ی خود می گیره و ازش تولید می کنه. این طور نیس که کل کار ره یک مطبعه بکنه. چون وقتش هم کم اس دیگه نمیشه که یک مطبعه این کار ره کنه. خُب اگه هماهنگی باشه و همکاری باشه از طرف دولت هیچ مشکلی نداره. میشه.

ک: پیشنهاد هم ندادید شما در این قسمت؟

MTPrivateKabul280818: ما می فهمیم که پیشنهاد ما در جایی نمیرسه. پیشنهاد دادیم. زیاد دادیم. ولی موثر نبوده. و کار چاپ کاری است که کارهای فرهنگی در کار چاپ اندک است. که ما در افغانستان فکر می کنیم که کار چاپ به حساب فرهنگ است. مثلا یک چیزهای تبلغاتی یا کتاب یا مجله و اینها است. در حالی که این بسیار یک فیصدی کمی از چاپ ره در بر می گیره. اکثرا کار چاپ در حساب صنعت است. صنعت دوا سازی اگه باشه یک کارخانه ی دواسازی بسیار یک مطبعه ی عظیم کار داره که قوطی اش ره تهیه کنه، همو بروشورهای که داخل قوطی میشه و لیبل ها و اینهایشان ره. بسیار یک مطبعه ی عظیم کار داره. تنها یک صنعت دوا. که ما برای این صنعت متأسفانه یک چند شرکت به نام دارمی که آنها هم کوشش می کنن که اینجه تولید نکنن، بیارند داخل. از بیرون وارد کنن. دیگه در مجموع کار چاپ در صنعت است. کاری است که هیچ کاری بدون صنعت چاپ امکان پذیر نیست. هر کسی نیاز داره که تبلیغات بکنه یا معلومات بته [...] مثلا وسایل برقی اگه است، یا مواد غذایی است، هر چیزی که نیاز خریدار است نیاز به یک معرفی داره. معرفی اش ره غیر از چاپ دیگه چیزی امکان پذیر نیس. ولی صنعت چاپ در افغانستان موفق نیست به این خاطر موفق نیست که کلا ما وارداتی هستیم. ما 10 فیصد نیاز خوده هم در داخل تولید نداریم. بسیار یک چیزهای جزئی ره ما تولید می کنیم. اکثرا چیزهای ما وارداتی است. بسته بندی شده می آیه.

ک: فروشات به نقد است یا به اوگرایی؟

MTPrivateKabul280818: متدسفانه هم نقد است و به حساب ها دیگه، به حساب قرض است. کتی همی شرکت [نام شرکت] ما کار می کردیم. همو قوطی های برای غذایی که باید در داخل برای مسافرین و اینها بته. بعضی چیزهایشان ره چاپ کردیم. حالی این شرکت ورشکست شده و رفته و دفتر و همه چیزهایش بسته است. حالی که ما به دفترش مراجعه می کنیم بسته است. دروازه قفل است. در حدود 4 لک یا 450 هزار افغانی ما بالایش است. و هیچ جایی نیست که ما شکایت کنیم و همو پیسه ی خوده به دست بیاریم.

ک: دولت هم [قطع]

MTPrivateKabul280818: نی دیگه! اونها تنها از ما نی که از بسیار کس ها قرضدار است. چون یک شرکت کلان و با اعبتار بود، شرکت ترانسپورت هوایی بود و طیاره داشت و امکانات داشت. حالی متأسفانه کل جای قایم است.

ک: اما بیشتر فروشات اوگرایی است یا نقد؟

MTPrivateKabul280818: ما بیشتر کس هایی ره که شناخت قبلی داشته باشم میتانیم که یک مقدار کتی شان با [قرض] پیش بریم. در غیر او نقد می گیریم.

ک: خریدارها دایمی یا همه وقت در حال تغییر؟

MTPrivateKabul280818: میشه که یک تعدادش ره بگوم که دایمی است. یک تعداد دیگرش جدید است.

ک: چی فیصدی اش دایمی است و چی فیصدی اش نو است؟

MTPrivateKabul280818: این طور است که بازار هیچ نظم نداره. ممکن کس های که ما سال های سال همراهشان کار کردیم حالی فعلا همو کار خود ترک کرده و کار نمی کنه. در حدود 5 سال میشه که ما با دفتر یوناما قرارداد داریم. راپورها و بعضی گپ هایشه که او قم مشخص نیس. هر زمانی که اونها یک راپور داشته باشن می آورند و برایشان چاپ می کنیم و دیگه هیچ فرمایش نداریم.

ک: بازاریابی تان به چی شکل است؟

MTPrivateKabul280818: ما دفتر در شهر هم داریم و در مارکیت مطبعه ها داریم و اکثر روی روابط میشه.

ک: از طریق تلیفون و انترنت کسی تازه بدون این که شما ره ببینه از شما خرید کرده و با شما معالمه کرده باشه؟

MTPrivateKabul280818: نی دیگه باید بیایه.

ک: سیاست نوآوری؟

MTPrivateKabul280818: مه بسیار علاقمندی به این هستم و همین قدر سفری که کردیم علاقه دارم که به نمایشگاه ها بروم و کوشش می کنم که یک نوآوری بیارم چون این کار مه ره ده همیشن خسته ساخته که گاهی کار است و گاهی نی. کارها هم اندک است. مه می خواهم که یک کاری به مفاد اندک هم اگه باشه حد اقل دایمی باشه. اما همی حالی ما هیچ پیش بینی کرده نمیتانیم که تا آخر همین سال مه مصرف خوده کشیده میتانم یا نمیتانم.

ک: در 24 ساعت چند ساعت کار می کنید؟

MTPrivateKabul280818: مطبعه کارش پیش بینی شده نمیتانه. مثلا یک راپور می آیه و ممکن که ما شبانه روز کار کنیم. باز اکثر وقت ها ما روزها بیکار می مانیم. همین ساعات رسمی خوده هم بیکار هستیم. معمولا ما روزمره از ساعت 8 صبح تا 4 یا 5 دیگر هستیم.

ک: کارگرها هم؟

MTPrivateKabul280818: بله ها. ما همراه کارگرها که تازه استخدام می کنیم برایشان میگیم که کار ما کار تولیدی نیست که ما یک چیز ره تولید کنیم و منتظر بانیم که در بازار فروخته شوه. ما کار ما قسمی است که مشتری فرمایش میته. مشتری فرمایش میته ممکن است که همین ره به عجله بخواهه. یک کنفرانس است، یک دوسه، یک بروشور یا کتاب یا چیزی ره کار داره او ره باید در وقتش برایش بتیم.

ک: اگر کار هم نباشه مکلف هستن باشن یا زودتر مرخص میشن؟

MTPrivateKabul280818: نی این ره مکلف هستن که باشن. برای این که در جریان روز اگر [دفعتا] کار پیدا شوه نمیشه که باز اونها را باز بخواهی که چند ساعت ره در بر بگیره که بیایند.

ک: از بخش تولیدی در بخش غیر تولیدی هم توانسته اید سرمایه گذاری کنید؟

MTPrivateKabul280818: نخیر نی. چون علاقمندی مه بیشتر همین کار و همین مسلکم بوده، مه در همین اضافه تر تمرکز کردیم و غیر این در جایی سرمایه گذاری نکرده ایم.

ک: انگیزه یتان برای دخیل شدن در کار تولید چی بوده؟

MTPrivateKabul280818: هر کس یک علاقمندی خاص داره در یک ارتباط. ما در همین مسلک زیاد علاقمند بودم. پدرم هم بوده و یگانه مسلکی است که [...] مه قبل از این کارهای مختلفی انجام داده ام. یعنی دکان داشته ام، به حساب مواد خوراکه خرید و فروش کردیم، حتا چوب فروشی کردیم در بازار دستفروشی کردیم یا بوت دوزی کردیم، خیاطی کردیم. ولی یگانه چیزی که ما در او علاقمند بودیم چاپ بوده و همین حالی هم علاقمندش هستیم و انشاالله اگه خدا توفیق بته تا که زنده هستیم ده همین مسلک می باشیم.

ک: تشکر!

MTPrivateKabul280818: تشکر از شما، کامبیز جان!